

## وقتی مشتری

## نمی داند چه می خواهد

کار در رشته گرافیک برای آدم‌های خلاق انتخاب بسیار جذابی است، مخصوصا آن‌هایی که از کار با نرم‌افزارهای کامپیوتری لذت می‌برند. این افراد طیف گسترده‌ای از آثار هنری را که در وب‌سایت‌ها، برچسب‌های محصولات و تبلیغات چاپی کاربرد دارند خلق می‌کنند، اما این طور نیست که تمام ساعات روز را صرف این کار کنند. طراحان، زمان قابل‌ملاحظه‌ای را با مشتریان و همکاران خود که همیشه کارکردن با آن‌ها ساده نیست سپری می‌کنند. همچنین باید با ترندهای (trend) بازاربایی و تکنولوژی موردنیاز در این حوزه آشنا باشند تا بتوانند در محیط رقابتی باقی بمانند. گرافیس‌ها این‌رویا را دارند که روزی بگویند می‌توانند کنترل خلاقانه پروژه را در دست داشته باشند، اما این اتفاق به‌ندرت پیش می‌آید. ممکن است در ابتدای کار برای کسب شهرت روی پروژه‌های خسته‌کننده‌ای مثل برچسب‌هایی برای محصولات بهداشتی یا بسته‌های دانه‌های گیاهی کار کنند. در این شرایط، رضایت شغلی از رضایت مشتری و ایجاد اعتبار به‌وجود می‌آید. استعداد هنری برای ورود به این کار، اجباری است. البته باید توجه داشت نیاز به مهارت‌های پیشرفته در به‌کارگیری انواع نرم‌افزارهای کامپیوتری مرتبط، بخشی جدایی‌ناپذیر است. نرم‌افزارهایی مثل ایندیزاین، ایلوستریتور، فتوشاپ، کورل اکسپرس و اتوکد همگی در صنعت استاندارد هستند، اما این نرم‌افزارها به‌طور مرتب به‌روزرسانی می‌شوند. به همین دلیل باید زمان کافی و گاهی پول صرف این تکنولوژی‌ها شود. در انتخاب موسسه آموزشی یا برنامه‌های آموزشی باید دقت شود، زیرا برخی مدرسان آن‌قدر به‌روز نیستند و به‌نیازهای مدرن طراحی وب‌سایت‌ها، هنر بازی‌های ویدئویی و طراحی برنامه‌های کاربردی تلقن‌همراه اشراف ندارند، زمینه‌هایی که به بخش‌های مهمی در این شغل تبدیل شده‌اند. مشتریان، شما را استخدام می‌کنند تا پیام خود را به جامعه بفهرستند، اما آن‌ها همیشه نمی‌دانند چه می‌خواهند. برای ارتباط برقرارکردن با آن‌ها و فهمیدن نیازهایشان، تلاش مستمر و مداوم لازم است. ممکن است قبل از اینکه طرح نهایی شما پذیرفته شود، چندین نسخه تکمیل شده از آن را ارائه کنید یا ممکن است ببینید کارتان رد شده‌است، باید به‌عنوان یک گرافیس‌ت تحمل ردشدن کار و انتقاد از آن را داشته باشید. نکته مهم دیگری که باید بدان توجه کرد این است که باید توانایی کار تحت‌فشار زمانی را داشته باشید. مشتریانی هستند که تخمینی از محدودیت زمانی‌شان ندارند و در فرصت محدودی توقع اتمام کار را دارند یا اینکه در شرایط اضطراری به شما مراجعه می‌کنند و در کمترین زمان ممکن انتظار خروجی کارشان را دارند. در این شرایط مهم است که اعطاف‌پذیر باشید، خود را با شرایط وفق دهید و مشتاقانه برای کار زمان بگذارید. چشم‌انداز آتی برای طراحانی که بر کارهای مرتبط با چاپ تمرکز دارند، آنچنان مناسب نیست. طبق آمار دفتر آمار کارگری ایالات متحده (BLS)، انتظار می‌رود انتشارات تا سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی منفی داشته باشد. رشد کار در تبلیغات و روابط‌عمومی در مدت مشابه ۱۷درصد تخمین زده شده که بالاتر از رشد ۱۴درصدی است که برای همه صنایع در نظر گرفته شده است. انتظار می‌رود، طراحی سیستم‌های کامپیوتری و خدمات مرتبط با آن تا ۶۱درصد افزایش یابند. در سال ۲۰۱۰ میانگین دستمزد سالانه برای این شغل ۳۵۰۰دلار بود، اما سطح درآمد می‌تواند به‌طور چشمگیری متفاوت باشد. مثلا اگر به‌عنوان یک پیمانکار مستقل کار کنید، این میزان به‌شدت تغییر می‌کند. سال ۲۰۱۰ حدود ۲۹درصد افراد مشغول در این زمینه به این سمت رو آوردند، اما به‌طور کلی در سال ۲۰۱۰ درآمد ۱۰درصدشان کمتر از ۴۲۰۰دلار بود، بنابراین این کار همیشه یک حرفه پر درآمد نیست.

## قصه زندگی آدم‌ها

صفحه‌آدم‌ها جایی برای قصه‌گفتن است. می‌خواهیم در این صفحه هفته‌نامه آئینو، قصه آدم‌ها را برای شما بگوییم؛ آدم‌هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم‌های معمولی که مثل مادر کارشان موفق می‌شوند، شکست می‌خورند، می‌برند و می‌بازند. آدم‌هایی که مثل ما گریه می‌کنند، می‌خندند، شادند و گاهی غمگین! آنهایی که مثل ما عاشق می‌شوند و برای زندگی می‌جنگند. قصه آدم‌هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می‌شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می‌شناسید که قصه زندگی‌اش شنیدنی است، به ایمیل kimia.kimiai@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسیم.

# ۱۰ | کتینه‌و



«المیرا حسینی»

«روزنامه‌نگار»

«اگر به آن سال‌ها برگردم، دیگر این راه را نمی‌روم.» علیرضا حرف‌هایش را با این جمله شروع می‌کند؛ کسی که ۱۷سال است صفحه‌آرایی می‌کند. از آن زمانی که هنوز برنامه ایندیزاین وجود خارجی نداشت و همه با کوارک و پیج‌میکر کار می‌کردند. او برای این حرفش دلایلی دارد که وقتی پای صحبت‌هایش بنشیني، برایت معلوم می‌شود.

### ■ سال‌های خوب و سخت گذشته

پیش از آنکه برای سربازی اقدام کند، در سال‌هایی که در رشته کامپیوتر تحصیل می‌کرده، به‌خاطر علاقه‌اش به چوب، وارد کلاس‌های منبت‌کاری می‌شود. از آن روزها هم خاطرات خوبی دارد. اینکه شاگرد زرنگ کلاس بوده و موردتوجه استاد و به‌خاطر رابطه خویش با استاد و استعدادی که از خود نشان داده، چیزهایی را یاد گرفته که باقی افراد کلاس فرصت یادگیری‌اش را نداشتند. همه این‌ها به قبل از سال ۷۸ برمی‌گردد. سربازی رفتن، این زنجیره آموزشی را قطع می‌کند و سال ۸۰ که سربازی‌اش تمام می‌شود، فرصت شغلی برایش پیش می‌آید که مسیر زندگی‌اش را مشخص می‌کند، نه صرفا عشق و علاقه: «دوست خانوادگی‌مان مدیرمسئول یک مجله بود. سال ۸۰ که از خدمت سربازی برگشتم، پیشنهاد داد برایش کار صفحه‌آرایی مجله انجام دهم. حقوق نسبتا خوبی هم داشتم. تا سال ۸۲ همان‌جا کار می‌کردم که پیشنهادی از یک روزنامه پیش آمد.» پیشنهاد روزنامه‌ای که به قول علیرضا در آن سال‌ها روزهای اوجش را سپری می‌کرد، برایش استرس‌زا بود: «تجربه‌ای نداشتم و اسم آن روزنامه برام کافی بود که حسایی استرس بگیرم. من اول به‌عنوان حروف‌چین استخدام شدم. سر همین هم تایپم تند است. البته قبل از آن هم یک بار رقوم روزنامه‌ای که با کوارک (نرم‌افزار صفحه‌آرایی) کار می‌کردند، ولی از فضای کاری‌اش خوشم نیامد و نرفتم.» سه، چهار سال که در آن روزنامه معتبر می‌ماند، به ماجرای توقیف این روزنامه می‌خورد و مجبور می‌شود برود روزنامه‌ای دیگر؛ روزنامه‌ای که آن هم یکی، دو سال بعد توقیف می‌شود.

### ■ صفحه‌آرا در نقش نماینده سازمان ملل

بعد از آن ماجراها به قول خودش کولی‌وار دواتور مطبوعات را چرخیده و آن‌قدر دوست و آشنا طی این سال‌ها پیدا کرده که وارد فضای کاری هر مطبوعه‌ای می‌شود، چندنفری را می‌شناسد: «هر کدام از این مجلات یا روزنامه‌ها به‌دلیلی به‌مشکل خوردند و تعطیل شدند یا من مجبور شدم آنجا را ترک کنم. در این ۱۷سال شده‌ام یک کولی که از این مجله و روزنامه به‌جایی دیگر می‌رود. بعضی از آن‌ها توقیف شدند، بعضی هم نتوانستند دخل و خرج روزنامه را هماهنگ کنند و تعطیلش کردند. مواردی هم بود که سردبیر و مدیرمسئول با هم به‌مشکل می‌خوردند و پول بچه‌ها می‌رفت روی هوا. بعد باید می‌رفتم با بحث و مذاکره پولمان را زنده می‌کردیم. در یکی از این روزنامه‌ها عده‌ای از بچه‌ها جمع شده بودند و برای اینکه مدیر مسئول پولشان را نمی‌داد، دو شانه برای مرغ گرفته بودند که بگویند در و دیوار ساختمان. آن روز هنوز بادم مانده. تخم‌مرغ‌ها را از دست بچه‌ها گرفتم و گفتم حرف می‌زنیم، حل می‌شود. نقش نماینده سازمان ملل را داشتم!»

البته این طور نبوده که هیچ‌وقت برای گرفتن حق و حقوقش با کسی سرشاخ نشود. می‌گوید آدم دعوایی نیست و همیشه سعی کرده همه‌چیز را در آرامش حل کند، ولی زیر بار حرف زور هم نمی‌رود: «یک‌بار در یکی از همین روزنامه‌ها، مدیرمسئول فابلی را به من داد و گفت این لی‌اوت است. می‌خواست کمی تغییرات روی آن اعمال کنم و بعدش از آن استفاده کنیم. لی‌اوت فرم کلی صفحه است که طراحی‌اش از سوی صفحه‌آرا یا گرافیس‌ت، هزینه جداگانه دارد. این‌ها چون پول کسی که لی‌اوت را طراحی کرده، نمی‌خواستند بدهند، از من درخواست کردند من

چند تغییر کوچک رویش اجرا کنم. زیر بار نرفتم. گفتم این کار غیر اخلاقی است و من انجامش نمی‌دهم. مدیر شاکي شد و با من چپ افتاد.»

سر همین مسئله علیرضا را اخراج می‌کنند و پولش را نمی‌دهند. علیرضا می‌گوید این اولین بار در زندگی‌اش بوده که برای گرفتن پولش دست به شکایت زده است: «معمولا با کارفرما کنار می‌آیم. اگر بدانم ندارند، واقعا فشار نمی‌آورم. خیلی جاها هم به همین شیوه تسویه کرده‌ام و بیرون آمده‌ام. ولی این یکی زور داشت. گفت پولت را نمی‌دهم و اگر می‌توانی، بگیر. رفتم شکایت کردم. خیلی‌ها پیش از من شکایت کرده بودند و آن را نیمه‌کاره گذاشته بودند. ولی من تا تهش رفتم. همین عاملی شد که بچه‌ها انرژی بگیرند و بروند دنبال پولشان. خیلی‌ها بعد از من توانستند حق و حقوقشان را زنده کنند.»

### ■ یک پرسپولیسی در محاصره استقلالی‌ها

او مدتی را هم در روزنامه استقلال کار کرده، با وجود اینکه پرسپولیسی دواتشه بوده است: «روزنامه استقلال خیلی سخت‌گیر است. واقعا تعصب دارند و اگر طرفدار هر تیمی غیر از استقلال باشید، اخراجید. خواهرزاده مدیرعامل استقلال که رئیس بود، می‌دانست طرفدار پرسپولیسم و دائم زیر گوشم می‌خواند، مواظب باشم که لو نروم، چون بی‌رو و برگرد اخراج می‌شوم. من هم چیزی نمی‌گفتم. فقط یک بار بازی تراکتورسازی و استقلال بود که تراکتورسازی برد. آن روز کلی شادی کردم و شعر خواندم. آخر یکی از بچه‌ها که استقلالی دواتشه بود، ناراحت شد. من هم به این ربطش دادم که چون تبریزی‌ام از نرد تراکتورسازی خوشحال شدم و به‌خیر گذشت.»

علیرضا می‌گوید: «زمانی که خبرورزشی کار می‌کردم، همیشه برای صفحه یک، خودم می‌ماندم. چون ماشین داشتم و نسبت به بچه‌های دیگر خانه‌ام نزدیک‌تر بود. کارمان موقع بازی‌های ال کلاسیکو یا بازی‌های جهانی والیبال خیلی طول می‌کشید. خبرورزشی چاپ دو داشت، باید منتظر می‌ماندیم که نتیجه معلوم شود، صفحه را ببندیم و بعد برویم. سهم ما از این شب‌ها ۲۵هزار تومان اضافه‌کاری بود و یک وعده غذای گرم!» یا این همه او

### پیش‌ش

“

گفت و گویا کسی که ۱۷ سال است در مطبوعات به کار صفحه‌آرایی مشغول است

# کوچ دائم صفحه‌آراها!



کار می‌کردم، جزء بهترین روزهای کاری‌ام بوده است.» او طی این سال‌ها هم حروف‌چین بوده و هم مدیر فنی. وظیفه مدیر فنی این است که بچه‌های بخش فنی یعنی ویراستار، صفحه‌آرا و حروف‌چین را با هم هماهنگ کند. مدیر فنی البته باید به فتوشاپ و ایندیزاین و آفیس مسلط باشد و هر کجا مشکلی پیش آمد، حل‌وفصلش به‌عهده اوست.

علیرضا معتقد است، بچه‌های فنی در مطبوعات مظلوم‌ترین قشرند: «گویا رسم است هر امکاناتی باشد برای بچه‌های خبرنگار است و اول به آن‌ها می‌رسد. پیش هم می‌آید که صفحه‌آراها و خبرنگاران با هم به‌مشکل بخورند. آن‌ها می‌نویسند، حروف‌چین و ویراستار متن را آماده می‌کنند و صفحه‌آرا آن را در ایندیزاین می‌بندد که بعد هم فایل تبدیل به پی‌دی‌اف می‌شود و می‌رود چاپخانه.» او درباره سختی‌های این شغل می‌گوید: «مهم‌ترین نکته، نداشتن امنیت شغلی است. من ۱۵سال سابقه بیمه دارم و وقتی به لیست نگاه می‌کنم، خودم از تعداد زیاد جاهایی که برایشان کار کرده‌ام، تعجب می‌کنم. توقیف و مشکلات مالی، دو فاکتور مهمی هستند که باعث بی‌ثباتی فضای کاری مطبوعات می‌شوند و خب این، آزاردهنده است. همیشه باید برای گرفتن حق و حقوق تلاش کنی و همه کسانی که در این حوزه کار می‌کنند، گرفتار مشکلات مالی‌اند. راستش همان طور که گفتم، اگر دوباره به آن سال‌ها برگردم، به‌خاطر همین مشکلاتی که گفتم، وارد این حرفه نمی‌شوم.» البته کار صفحه‌آرایی ویژگی‌هایی هم دارد که آن را لذت‌بخش می‌کند: «فارغ از مشکلاتی که گفتم، من این کار را دوست دارم. تصمیم هم ندارم شغلم را عوض کنم، چون به آن عادت کرده‌ام. برای کسی که به کارهای کامپیوتری و گرافیکی علاقه داشته باشد، کار سختی نیست. لذت‌های خودش را هم دارد. مثلا وقتی صفحه‌رامی‌چینی و به‌حاصل کارت نگاه می‌کنی و از آن راضی هستی، احساس خوبی به تودست می‌دهد. اگر دستت برای انجام کارهای خلاقانه هم باز باشد و کمی ذوق داشته باشی، نتیجه‌ای که می‌بینی، خیلی برایت جذاب خواهد بود.» او معتقد است، کسی که در این حرفه خوش‌نام باشد و آدم‌ها از کارکردن با او راضی باشند، بیکار نمی‌ماند. آدم‌ها تو را به صاحبان کار معرفی می‌کنند و دائم پیشنهادهای مختلف دارد. مضاف بر این‌ها هم، یک فضای تلگرامی هست به نام کاریابی بچه‌های فنی مطبوعات که هرکس فرصت‌های شغلی را در آن می‌گذارد. اما علیرضا می‌گوید مهم‌ترین چیز در فضای رسانه، همان رعایت اخلاق حرفه‌ای و درست کارکردن است؛ چیزی که باعث می‌شود چنین شخصی حتی در فضای آشفته و نامتعادل مطبوعات هم بیکار نماند.



یکشنبه ● ۷ بهمن ۱۳۹۷ ● شماره صد و هشتاد و هشت

# آدم‌ها

روایت‌زندگی

A T I V E H N O